

تاریخ مسیحیت در ایران

در این سری مقالات، در چهار شماره، به بررسی تاریخ کلیسای ایران می‌پردازیم. ممکن است اینگونه تصور کنیم که مسیحیت هیچگونه ارتباط تاریخی با ایران نداشته است ولی بررسی این مقالات موجب خواهد شد که به این ارتباط دیرینه بیشتر پی ببریم و مسیحیت را یک آیین کاملاً جدید و بیگانه برای ایرانیان ندانیم. در این شماره بیشتر به چگونگی آغاز مسیحیت در ایران می‌پردازیم و مروری بر عوامل مهم این حرکت مذهبی خواهیم داشت.

آغاز مسیحیت در ایران

اولین سؤال در رابطه با تاریخ مسیحیت در کلیسای ایران موضوع قدمت آن است. کلیسا در ایران از چه زمانی به طور جدی آغاز گشت؟ باید اذعان نمود که پاسخ به این سؤال چندان ساده نیست چرا که بیشتر اطلاعات در حاله‌ای از ابهام و تردید قرار دارد. گزارش‌هایی که از ورود مسیحیت به ایران در دست است بیشتر بر اساس روایات و احادیثی استوار است که نمی‌توان آن را مدارک موثقی در این خصوص دانست. عیسی مسیح در زمان فرهاد پنجم (فرهادک) که از پادشاهان سلسله اشکانیان (پارت) بود به دنیا آمد و به‌رحال باید شروع مسیحیت در ایران را به قدمت حکومت اشکانیان در ایران دانست. برای بررسی شروع کلیسا در ایران باید به این روایات به‌طور اجمالی اشاره نمود.

در کتاب اعمال رسولان باب دوم واقعه پنطیکاست و ریزش روح القدس توسط لوقا به‌رشته‌ی تحریر در آمده است. چون این ایام خود عید پنطیکاست یا پنجاهه نام داشت موقعیت مناسبی برای گردهمایی یهودیان زیادی بود که از سراسر نقاط جهان برای مراسم مذهبی به اورشلیم آمده بودند. در باب دوم از کتاب اعمال رسولان آیه ۹ از اقوامی به نام "پارتیان و مادیان و عیلامیان" نام برده شده است که به اقوامی که در ایران آن روز سکونت داشتند اشاره می‌کند. به احتمال زیاد این یهودیان در واقعه پنطیکاست به مسیح ایمان آوردند و در بازگشت به وطن خود در مورد مسیح بشارت داده‌اند.

لابور محقق فرانسوی معتقد است که چون کتاب اعمال رسولان در حدود سال ۷۰ میلادی نوشته شده نشان‌دهنده این است که مسیحیان ساکن در امپراطوری روم (مغرب زمین) در آن زمان قطعاً با جوامع مسیحی سرزمین‌های دوردست مشرق‌زمین آشنایی داشته‌اند. او نتیجه می‌گیرد که در سال‌های ۷۰ تا ۸۰ میلادی مسیحیت در بخش بین‌النهرین واقع در شرق امپراطوری روم که تحت سیطره امپراطوری اشکانی بود، رواج داشته است.

کتاب اعمال توما

باید این نکته را نیز اشاره کنیم که این رسم در کلیساها متداول بوده که هر کلیسایی منشأ خود را به افراد مهم که در رأس آنان رسولان مسیح قرار داشتند منتسب کنند. این نکته باعث اقتدار و اعتبار کلیسا می‌شد. کلیسای ایران نیز از این قانون برکنار نمانده و سعی شده که شروع آن را به یکی از شاگردان مسیح به نام توما منسوب کنند که در راه خود به هندوستان از ایران نیز عبور کرده و کلیسا را به‌دست شاگردان خود سپرده است. یکی از قدیمی‌ترین روایات در تاریخ کلیسا این است که تومای رسول، انجیل را به هندوستان آورد. کتاب اعمال توما جزو کتب مجهول‌الاصول می‌باشد که به‌عنوان قدیمی‌ترین شرح یک روایت کلیسایی در آسیا، در ماورای مرزهای امپراطوری روم باقی مانده است.

این کتاب، توما را به‌عنوان رسول آسیا ترسیم می‌کند و توسعه کلیسا به شرق را به سفرهای بشارتی تومای رسول مرتبط می‌داند. اما این کتاب با تاریخ کلیسای ایران چه ارتباطی می‌تواند داشته باشد؟ در این کتاب شهر اِدسا واقع در شمال

بین‌النهرین مرکز فعالیت‌های بشارتی توما ذکر شده است. در برخی از اسناد هم مذکور است که کلیسای شهر سلوکیه تیسفون نیز به‌دست تومای رسول بنیاد شده است. طبق سنن و احادیث دیگر، توما پس از تأسیس این کلیساها به هندوستان رفت و مسیحیت را در آنجا رواج داد.

روایت دیگری از یکی از تاریخ‌نویسان معروف کلیسا به‌نام یوزبیوس نقل شده است که شخصی به‌نام آبنگار پنجم که پادشاه ادسا بوده است نامه‌ای به عیسی مسیح می‌نویسد و او را دعوت می‌کند که به شهر او برود. مسیح نیز قول می‌دهد که پس از صعودش به آسمان، یکی از شاگردانش را نزد او بفرستد. به همین دلیل تومای رسول یکی از شاگردان خود به‌نام ادای (تدی) را که یکی از هفتاد تن ذکر شده در لوقا ۱۰:۱ می‌باشد به دربار پادشاه می‌فرستد. در اثر خدمات ادای آبنگار و بسیاری از اهالی ادسا به مسیحیت گرویده و بدین صورت مسیحیت در بخش غربی امپراطوری اشکانی رواج یافت و از آنجا به داخل فلات ایران و در میان اقوام آریایی نفوذ نمود. (با مراجعه به نقشه جغرافیایی در صفحه پیش بهتر می‌توانید این اتفاقات را دنبال کنید. در این نقشه امپراطوری اشکانی با نام امپراطوری پارت مشخص شده است که هر دو یکی است چون سلسله اشکانیان از پارتیان بوجود آمد که یکی از قوم‌های آریایی‌نژاد بود). روایات دیگر حاکی از این است که ادای شخصاً یا به‌وسیله شاگردانش آگای و ماری در شهر آربلا (اریل) کلیسای نیرومندی بنا نهاد.

با بررسی‌هایی که در این زمینه به‌عمل آمده به این نتیجه می‌رسیم که تعیین تاریخ دقیق و چگونگی ورود مسیحیت به ایران امری است مشکل و تا حدودی غیرممکن. ولی در این که از دوره حکومت اشکانیان در ایران یعنی در قرون اول و دوم مسیحیت به ایران رسیده است شکی نیست.

با مطالعه تاریخ ایران می‌توانیم چنین نتیجه‌گیری کنیم که در آن مقطع تاریخی موانع چندانی برای ورود مسیحیت به ایران وجود نداشته است. در زمان اشکانیان هیچ نشانه‌ای از فشارهای مذهبی گزارش نشده است. به‌نظر می‌آید که عدم تنگ‌نظری‌های دینی و آزادی مذهبی در سراسر امپراطوری رواج داشت و پادشاهان این سلسله برای اداره امپراطوری عظیم خود سیاست مسامحه و تحمل را که امپراطوری هخامنشیان ابداع نمودند بر سرکوب و آزار و اذیت ترجیح می‌دادند. در آن زمان حکومت در ایران به‌صورت ملوک‌الطوایفی (پراکنده‌شاهی) اداره می‌شد؛ آسان‌گیری در عقاید، تا حدی لازمه هم‌زیستی در این نوع حکومت‌های ملوک‌الطوایفی بود.

گسترش مسیحیت در فلات ایران

آیا عواملی وجود دارد که در گسترش مسیحیت در شرق و بالاخص ایران تأثیر مثبتی داشته باشد؟ این اعتقاد دور از حقیقت نیست که عامل نه‌چندان مثبتی چون جفا نیز به شروع و توسعه مسیحیت در ایران کمک شایانی نموده است.

ایران در مجاورت امپراطوری روم قرار داشت و احتمال این هست که مسیحیانی که از آزار و اذیت رومیان فرار می‌کردند، به قسمت شرق امپراطوری که زیر سلطه حکومت ایران بود پناه می‌بردند. بر پایه فرمان بزرگ مسیح مبنی بر بشارت انجیل، مسیحیان اولیه دارای غیرت بشارتی نیرومندی بودند که باعث می‌شد از هر موقعیتی برای اشاعه مسیحیت استفاده کنند. همچنان که جفای حکومت روم بر مسیحیان ساکن اورشلیم باعث شد که آنان از تجمع در این شهر خودداری نموده راهی مناطق دیگر گردند.

وجود جوامع یهودی از زمان اسارت بابل در بین‌النهرین، به گسترش مسیحیت در این نواحی کمک نموده است. در قرن اول هدف بشارت مسیحیان، یهودیان بودند. این یهودیان نیز در نقاط زیادی از جهان آن زمان پراکنده شده بودند. تاریخ گزارش می‌دهد که تعداد یهودیان پراکنده در مشرق‌زمین بیشتر از مغرب‌زمین بوده است.

زبان رایج در بین‌النهرین زبان سریانی/آرامی بود. این زبانی بود که رسولان و شاگردان مسیح با آن سخن می‌گفتند. نزدیکی زبان و فرهنگ هم عامل مهمی در گسترش پیام مسیحیت در این جوامع بوده است.

طبق روایات و نیز بر اساس یافته‌های تاریخی و باستان‌شناسی می‌توان با قاطعیت گفت که مسیحیت در دوره اشکانیان در کردستان، گیلان، ارمنستان، شمال افغانستان، سواحل خلیج فارس، آسیای مرکزی و در میان قبایل ترک و مغول در هندوستان و احتمالاً چین رواج یافته است.

متفکرین مسیحی

در کلیساهایی که در قلمرو اشکانیان به‌ظهور رسیدند چهره‌های برجسته‌ای نیز وجود داشته‌اند که خدمات زیادی به مسیحیت نمودند که از آن جمله می‌توان به شخصیت مهمی چون تاتیان اشاره نمود. او از شاگردان ژوستین شهید بود و پس از تحصیل الهیات به محلی نزدیک شهر آربل آمد و یک مدرسه الهیات را تأسیس و سرپرستی نمود.

از کارهای بسیار مهم تاتیان نگارش انجیلی بود که به دیاتسرون معروف است. تاتیان متوجه شده بود که کتاب‌های زیادی در رابطه با زندگی عیسی مسیح در آن زمان انتشار یافته است و لذا تصمیم گرفت انجیلی واحد بر اساس محتوای چهار انجیل تهیه نماید. این انجیل چون به زبان سریانی نوشته شده بود، همه مسیحیان بین‌النهرین می‌توانستند به راحتی از آن استفاده کنند. این کتاب در قرن سیزدهم میلادی به فارسی ترجمه شد و در نیمه دوم قرن بیستم نیز این ترجمه فارسی قدیمی به فارسی امروزی برگردانیده شد و به نام فروغ بی‌پایان منتشر گردید.

از افراد مهم دیگر در این دوره باید به شخصی چون باردیسان نیز اشاره کرد که تحصیلات زیادی داشت. باردیسان به سبب دانش و علاقه زیاد به مسیحیت به منصب شماسی منصوب گردید و از رهبران کلیسای اشکانی شد. از باردیسان کتابی به نام "گفت و گویی در باب سرنوشت" به جا مانده است که اثری الهیاتی است. عقاید الهیاتی او در عاقبت چون با عقاید فلسفی یونان و ستاره‌شناسی و عقاید زرتشتیان آمیخته بوده به نظر بسیار عجیب و غریب می‌آمد. گفته می‌شود که باردیسان به همین سبب از کلیسا اخراج و تعالیم او منحرف اعلام گردید.

از یافته‌های مهم در این دوره هم کتابی است به نام "مناجات سلیمان" که در سال ۱۹۰۹ کشف گردید که به زبان سریانی نوشته شده است. این سرودنامه به نظر محققین متعلق به اواخر قرن اول میلادی است و لذا می‌توان گفت که قدیمی‌ترین سرودنامه کلیسایی است که امروزه در دست داریم.

نتیجه‌گیری:

به‌عنوان نتیجه‌گیری می‌توان گفت که با اینکه بیشتر دانش ما بر اساس روایات و احادیث است، بدون شک در دو قرن اول میلادی مسیحیت در مناطق سریانی‌نشین امپراطوری اشکانی گسترش بسیار زیادی داشته است، اما از میزان گسترش آن در میان اقوام آریایی اطلاع دقیقی در دست نداریم. فقط می‌توانیم بگوییم که به‌علت ترکیب جمعیت، فرهنگ و سواد، عامل زبان و عقاید مذهبی و فلسفی و همچنین شرایط جغرافیایی، مسیحیت در میان اقوام آریایی نژاد همچون

مناطق سریانی‌نشین رواج گسترده‌ای نداشته است. بیشترین اطلاعات موثق در مورد این مناطق به دوره پادشاهی ساسانیان مربوط است که در شماره آینده به بررسی آن می‌پردازیم.

منابع استفاده شده:

تاریخ مسیحیت در آسیا: ساموئل هیومافت

مسیحیت در ایران: سعید نفیسی

علل انحطاط مسیحیت در مشرق‌زمین: دهقانی تفتی

سرگذشت مسیحیت در ایران‌زمین: آرمان رشدی

مسیح و مسیحیت نزد ایرانیان: دهقانی تفتی

تاریخ کلیسای مسیح در ایران: زرین بهروش